

خواهیم تمام آثار هنری تمام مسلمانان جهان را از بنگلادش، هند، پاکستان، افغانستان، ترکستان، ترکمنستان، تاجیکستان، ایران، قفقاز، ترکیه، عراق، اردن، سوریه، لبنان، عربستان سعودی، یمن شمالی و جنوبی، کویت، قطر، بحرین، امارات متحده عربی، سلطان نشین عمان تا مصر، سودان، لیبی، مراکش، تونس، الجزایر، جیبوتی، موریتانی، و حتی اسپانیا و غیره را در زیر یک عنوان قرار بدهیم، چه کلمه دیگری - جز اسلام - که همه این سرزمینها را در بر می گیرد، پیشنهاد می کنید تا ما آن را بجای «هنر اسلامی» قرار بدهیم؟ جواب ما به ایشان آن است که اولاً چه الزامی دارید تمام انواع آثار هنری تمام مسلمانان را از سکه، تابلوی نقاشی، مینیاتور، تذهیب، جلد کتاب، شمشیر و خنجر و سپر، تار و کمانچه، ورقهای گنجفه و آس، تا ظروف سفالین و مسین و شیشه ای، لباس، وسایل شکار، قلمدان، اسطراب، قرع و انبیک و صدها نوع دیگر را در زیر یک عنوان قرار بدهید، حالا چه این عنوان «اسلامی» باشد یا لفظی دیگر. ثانیاً پایه این نامگذاری و تقسیم بندی شما بر آب است چنان که اگر قرار بود شما موزه داران و هنرشناسان، تمام آثار هنری تمام مسیحیان جهان را در آسیا، اروپا، امریکا، افریقا، اقیانوسیه - یعنی در پنج قاره جهان - یکجا و در زیر یک نام در معرض تماشا قرار بدهید، بیقین ناچار بودید همه آنها را در زیر عنوان غیر علمی «هنر مسیحی» بگذارید. ولی تا به حال درباره هنر مسیحیان به چنین عملی دست نزده اید و تقسیم بندیهای مختلفی را که پیش از این به آن اشاره کردیم بکار می برید تا آثار هنری اقوام و ملت های مسیحی به نوعی (از نظر نوع اثر هنری، یا تعلق به ملتی یا کشوری، و یا دوره ای تاریخی...) از یکدیگر متمایز گردند، که این البته کاری است صحیح و علمی. پس چرا درباره آثار هنری مسلمانان نیز به همین شیوه شناخته شده و متداول عمل نمی کنید؟ این که می شود «یک بام و دو هوا»! در ضمن این موضوع بسیار مهم را نیز به یاد داشته باشید که از آن زمان که «شرق شناسی» قدم به عرصه وجود گذاشت سالهای دراز می گذرد و در این مدت طولانی اقوام و ملل مسلمان و غیر مسلمان که سالها مستعمره اروپاییان بودند و مستعمره داران آنان را به چیزی نمی گرفتند، اندک اندک آگاهیهای پیدا کرده اند، احساسات ملی و قومی و استقلال طلبی در زمینه های سیاسی و فرهنگی و امثال آن در آنان زنده شده است. آیا در شرایط موجود، باز با آنان به زبان شرق شناسان دوران استعماری سخن گفتن کاری خردمندانه است؟

موضوع بسیار مهم دیگر که همواره باید در مد نظر داشته باشید آن است که اسلام با

بیشترین آثار هنری که شما دانشمندان غیر مسلمان در زیر عنوان «هنر اسلامی» قرار داده‌اید آشکارا مخالف بوده است و هست و خواهد بود الی یوم الدین. ولو شما بگوئید ما «اسلام» را به معنای دیگری جز «دین اسلام» بکار می‌بریم، ولی حقیقت آن است که اکثریت قریب باتفاق کسانی که به موزه‌ها مراجعه می‌کنند از آنچه شما از لفظ «اسلام» اراده می‌کنید و در برخی از کتابهای فنی خود نیز به آن اشاره کرده‌اید، بیخبرند، چنان که با اطمینان کامل می‌توان گفت که از هر هزار تن از بازدیدکنندگان بخش «هنر اسلامی» در هر یک از موزه‌ها، یکی هم نمی‌داند که مقصود شما هنرشناسان اروپایی و امریکایی از لفظ «اسلام» در عنوان «هنر اسلامی» مثلاً چیزی جز دین اسلام است. آنها بحق لفظ «اسلام» را به معنای حقیقی «اسلام» و بعنوان یکی از ادیان مهم جهان می‌شناسند در ردیف ادیان مسیحی و یهودی و...، و این نکته‌ای است که به هیچ وجه قابل انکار نیست. این شماست که لفظ «اسلام» را به قول خودتان در معنای غیر حقیقی آن - و لابد برای مقاصد خاص - بکار برده‌اید و البته، اینک، مسؤول تبعات آن نیز خود شما هستید.

برای بیان نادرستی و نیز نمایاندن قبح استعمال لفظ «اسلامی» در ترکیبی مانند «هنر اسلامی» ناگزیر به ذکر مثالی هستیم: می‌دانیم که رقصانه‌هایی در اروپا و امریکا دایر است، با نامهای مختلف، که در آن دختران و زنان می‌رقصند و بدن خود را عریان در برابر دیدگان تماشاچیان قرار می‌دهند، و این کار حرفه رسمی آنان است در چهار چوب قوانین و مقررات شناخته شده در این ممالک. بدیهی است بسیاری از این زنان مسیحی هستند که گاه نیز صلیبی زرین به گردن خود آویخته اند. حال اگر کسی رقص این زنان را Christian dance بنامد، و یا اگر گروهی از این رقصندگان یهودی باشند، کار آنان را Jewish dance بخواند، شما مسیحیان و یهودیان به کسی که این عنوانها را بکار می‌برد، چه می‌گوئید؟ و لوقبلاً وی اعلام کرده باشد که مقصود من از دو لفظ Christian و Jewish در این دو عنوان به هیچ وجه من الوجوه آن نیست که در دین مسیح یا یهود، رقص زنان با بدن عریان در حضور مردان بیگانه و در برابر دریافت مزد تجویز شده است، و یا این رقص، رقص مذهبی مسیحیان یا یهودیان است، بلکه مقصود آن است که... به گمان نویسنده این سطور، گرچه گوینده آن عبارات، قصد توهین به مسیحیان یا یهودیان را نداشته باشد، ولی مسیحیان و یهودیان، بی شک و تردید، نامیدن چنان رقصی را با چنان عناوینی، توهینی آشکارا نسبت به خود و دین خود احساس می‌کنند، و حق هم با آنان است، و نیز البته چنین است کار علمای غیر مسلمان

هنرشناس اروپایی و امریکایی درباره استعمال نابجای «اسلام» در عنوان «هنر اسلامی». می پرسید چرا؟

ما پیش از این رای چند تن از عالمان طراز اول اهل تسنن و تشیع مانند حجة الاسلام محمد غزالی (۴۵۰ - ۵۵۰ ق) و ملا محمد باقر مجلسی (۱۰۳۷ - ۱۱۱۰ یا ۱۱۱۱ ق) را درباره تابلوهای نقاشی و آلات موسیقی در همین مجله ذکر کرده ایم که آنان چگونه تصویر صاحبان روح از جمله آدمیان را بطور مطلق حرام دانسته و گفته اند تکلیف شرعی هر مسلمانی آن است که آنها را معدوم سازد...^{۱۲} و اینک برای این که روشن گردد این تنها فتوای قدمای علمای دینی مسلمانان نبوده است، بلکه امروز نیز، پیشوایان مذهبی اهل تسنن و تشیع در دهه اول قرن پانزدهم هجری و دهه های آخر قرن بیستم مسیحی بر همان عقیده اند، از چند تن از علمای شیعی و سنی در این باب استفتاء کرده ایم، به شیوه ای که در استفتاء از علما متداول است، و متأسفیم که پاسخ همه آنان هنوز به دست ما نرسیده است، شاید بسبب آن که برخی از این نامه ها را به عللی، دولت های مربوط به دست آنان نرسانده باشند. ولی از جواب های رسیده، کاملاً آشکار است که امروز نیز علمای شیعی و سنی، چیزی جز آنچه غزالی ها و مجلسی ها گفته اند نمی گویند، و بین عالمان شیعی و سنی نیز اختلاف نظر اساسی وجود ندارد، بلکه علمای معاصر در پاسخ استفتائی که از ایشان بعمل آمده است صریحاً اعلام کرده اند که نامیدن قسمت اعظم آثار هنری موجود در موزه ها و نمایشگاه های جهان با عنوان «هنر اسلامی» از نظر شرعی حرام است.

بر کسانی که بخش های معروف به «هنر اسلامی» را در موزه ها بازدید کرده اند، پوشیده نیست که قسمت قابل توجهی از آثاری که در این بخشها در معرض نمایش گذاشته شده است، آثار نقاشان و مینیاتور سازان است که در اکثر قریب باتفاق آنها صورت آدمیان نقاشی شده است مانند تصاویر پیامبران و امامان و پادشاهان و رجال سیاسی و علمی، یا صحنه های مختلف داستانها که بتوسط نقاشان تصویر گردیده است، و سپس نوبت می رسد به برخی از آلات موسیقی، کار هنرمندان معروف که در گوشه و کنار بخش «هنر اسلامی» بچشم می خورد، همچنان که بعضی از وسایل قمار یا باده گساری که از نظر هنری حائز اهمیت است در همین بخشها خودنمایی می کنند و... موضوع استفتاء ما از هریک از علما این بوده است که آیا از نظر دین اسلام جایز است چنین آثاری را در زیر نام «هنر اسلامی» در معرض نمایش بگذارند، ولو هنرشناسان فرنگی در برخی از کتابهای خود نوشته باشند که مقصودشان از «اسلام» در عنوان «هنر اسلامی» چیزی جز دین اسلام است، و آیا در تصاویر زیبای موجود در نسخه های خطی

شاهنامه فردوسی، خمسة نظامی، مثنوی مولانا جلال الدین، دیوان حافظ، گلستان سعدی و غیره که کار هنرمندان مسلمان است «روح اسلامی» وجود دارد و...، و در نتیجه آیا جایز است که چنین آثار هنری را در زیر نام «هنر اسلامی» قرار داد؟ استفتاء ما از هریک از علما (صفحات ۲۳، ۲۷، ۲۸ به زبان فارسی، و صفحات ۲۹-۳۰ به زبان عربی، در همین شماره مجله) پس از مقدمه، درشش مورد ذیل بوده است:

۱- آیا مجاز است تصاویر صاحبان روح، اعم از انسان و دیگر حیوانات، را در زیر عنوان «هنر اسلامی» قرار بدهند؟

۲- آیا مجاز است تصاویر پیامبر اسلام (ص) و ائمه اطهار (ع) [در استفتاء از علمای اهل سنت و جماعت عبارت «و ائمه اطهار (ع)» ذکر نشده است] را در بخش «هنر اسلامی» عرضه نمایند؟

۳- آیا مجاز است تصاویر مربوط به داستانها و افسانه‌های پیش از اسلام مانند تصاویر قصه‌های شاهنامه، هفت پیکر، اسکندرنامه و امثال آن را، ولو نقاش آن مسلمان بوده است، در بخش مذکور قرار داد؟

۴- آیا مجاز است تصاویری که در آنها مجالس بزم و طرب مسلمانان و غیر مسلمانان نقاشی شده است و در آنها افرادی در حال نوشیدن شراب، و عده‌ای در حال نواختن سازهای مختلف، و برخی در حال رقص هستند بعنوان «هنر اسلامی» معرفی گردد؟

۵- آیا مجاز است تصاویری که در آنها زنان غیر مسلمان یا مسلمان، با روی و موی برهنه، و یا بدن نیمه عریان یا تمام عریان نقاشی شده‌اند، بعنوان «هنر اسلامی» در معرض تماشای افراد مختلف قرار داده شود؟

۶- آیا مجاز است آلات موسیقی مانند تار، کمانچه، سه تار و امثال آن، و نیز وسائل قمار مانند ورقهای آس، گنجفه و تخته نرد و غیره، و وسایل باده گساری مانند صراحی و جامهای شراب را، ولو از نظر هنری دارای ارزش باشد، بعنوان «هنر اسلامی» به جهانیان معرفی نمایند؟

فتاوی رسیده به دست ما تا کنون عبارت است از فتاوی مفصل آیت الله عظمی حاج سید محمد رضا گلپایگانی و فتاوی مختصر آیت الله عظمی حسینعلی منتظری و آیت الله جنتی از ایران، و فتاوی مفصل شیخ عبدالعزیز بن عبدالله بن باز رئیس کل ادارات بحوث علمی و افتاء و دعوت و ارشاد (عالیترین مرجع رسمی دینی) عربستان سعودی. تصدیق می فرمایید برای آگاهی از نظر علمای شیعی و سنی راهی جز مراجعه مستقیم



جبرئیل، دلاوری حضرت علی را به حضرت محمد پیامبر می نمایاند.
 در این مینیاتور، سر ذوالفقار، شمشیری که حضرت علی در دست دارد، بر طبق عقیده
 عوام، «دو شاخه» تصویر گردیده است.
 از کتاب خاوران نامه، ابن حسام، ورق ۱۱۲، موزه هنرهای تزئینی، تهران.



معراج پیامبر اسلام، از کتاب زبدة التواریح، موزه هنرهای ترک و اسلامی، استانبول
(Museum of Turkish and Islamic Arts)

به خود آنان وجود ندارد، و اگر کسی می‌پندارد، در موضوعهایی از این گونه، بجای مراجعه به علمای شیعی و سنی، بهتر بود به مراکز اسلام شناسی یا مطالعات اسلامی دانشگاه سوربن پاریس، دانشگاه لندن، دانشگاه مک گیل کانادا، یا دانشگاههای معتبر امریکا مراجعه می‌کردیم، بیقین این ضرب‌المثل معروف فارسی را از یاد برده است که «تیمم باطل است آن جا که آب است». بعلاوه استادان این مراکز اسلام شناسی در کشورهای اروپایی و امریکایی به هیچ وجه جانشینان علمای فرق مختلف اسلامی نیستند، این مراکز برای مقاصدی خاص و تربیت اسلام شناسانی خاص، از بین مسلمانان و غیر مسلمانان، بوجود آمده است، و بدین سبب است که می‌بینیم از جنگ دوم جهانی بعد بر تعداد آنها روز به روز افزوده می‌گردد.

و اینک فتاوی:

بخشی از فتوای آیت‌الله عظمی حاج سید محمد رضا گلپایگانی:

«۱- تصاویر مخلوقات جاندار در عداد هنرهای اسلامی نیست.

۲- تصاویر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه اطهار سلام الله علیهم اجمعین حکم جواب سؤال اول را دارند و عرضه کردن آنها نیز چون معرض هتک و ارائه خلاف واقع است جائز نیست.

۳- تصاویر قصه‌ها و افسانه‌های بی حقیقت یا با حقیقت مربوط به قبل از اسلام هنر اسلامی نیست لذا معرفی و عرضه کردن آنها به این عنوان دروغ و حرام است.

۴- تصاویر مجالس بزم و طرب و میگساری و رقص و موسیقی و این قبیل امور به هنر اسلامی ارتباط ندارد و نباید به این عنوان معرفی شود و از لحاظ فساد انگیز بودن و موجب ترویج کارهای حرام شدنش ارائه و عرضه آنها جائز نیست.

۵- تصاویر زن‌ها با حالات منافی حیا و عفت اسلامی هنر اسلامی نیست و به این عنوان معرض تماشا قرار دادن آنها دروغ و حرام است و از این لحاظ که موجب فساد اخلاق و ترویج فحشاء می‌شود نیز عرضه آنها حرام است.

۶- آلات موسیقی مانند تار و غیره و وسائل قمار و باده‌گساری و امثال اینها عنوان هنر اسلامی ندارند و نباید بعنوان هنر اسلامی معرفی شوند بلکه باید این گونه وسائل را شکسته و از قابلیت استفاده آنها در معاصی خارج گردانند.» (متن کامل این فتوی در

ص ۲۴-۲۶ چاپ شده است.)

فتوای آیت الله عظمی حسینعلی منتظری:

«بسمه تعالی هر چیزی که در دین مقدس اسلام حرام است نمایش دادن آن بعنوان هنر اسلامی جایز نیست ۲۱/۲/۶۵». (متن کامل این فتوی در ص ۲۷ چاپ شده است).

فتوای آیت الله جنّتی:

«بسمه تعالی با سلام ۱ - باید روشن ساخت که مراد از هنر اسلامی هنری است که مسلمین عرضه کرده اند نه هنر وابسته به اسلام ۲ - با رعایت بند ۱ آنچه در اسلام ممنوع است مانند مجالس عیش و عشرت و منظره‌های شهوت انگیز حتماً نباید بعنوان هنر اسلامی ارائه شود چون اسلام از آن بیزار است و آنچه در شرع ممنوع نیست مانند عکس مناظر و حیوانات و غیره بصورت هنر اسلامی بمعنای بالا قابل عرضه است ۳ - تصویر پیامبر و ائمه اطهار علیهم السلام چون واقعیت ندارد روا نیست. با امید موفقیت همه انسانهای صالح و خدمتگزاران اسلام و مسلمین ۲۵/۱۲/۶۶». (متن کامل این فتوی در ص ۲۸ چاپ شده است).

فتاوی شیخ عبدالعزیز بن عبدالله بن باز:

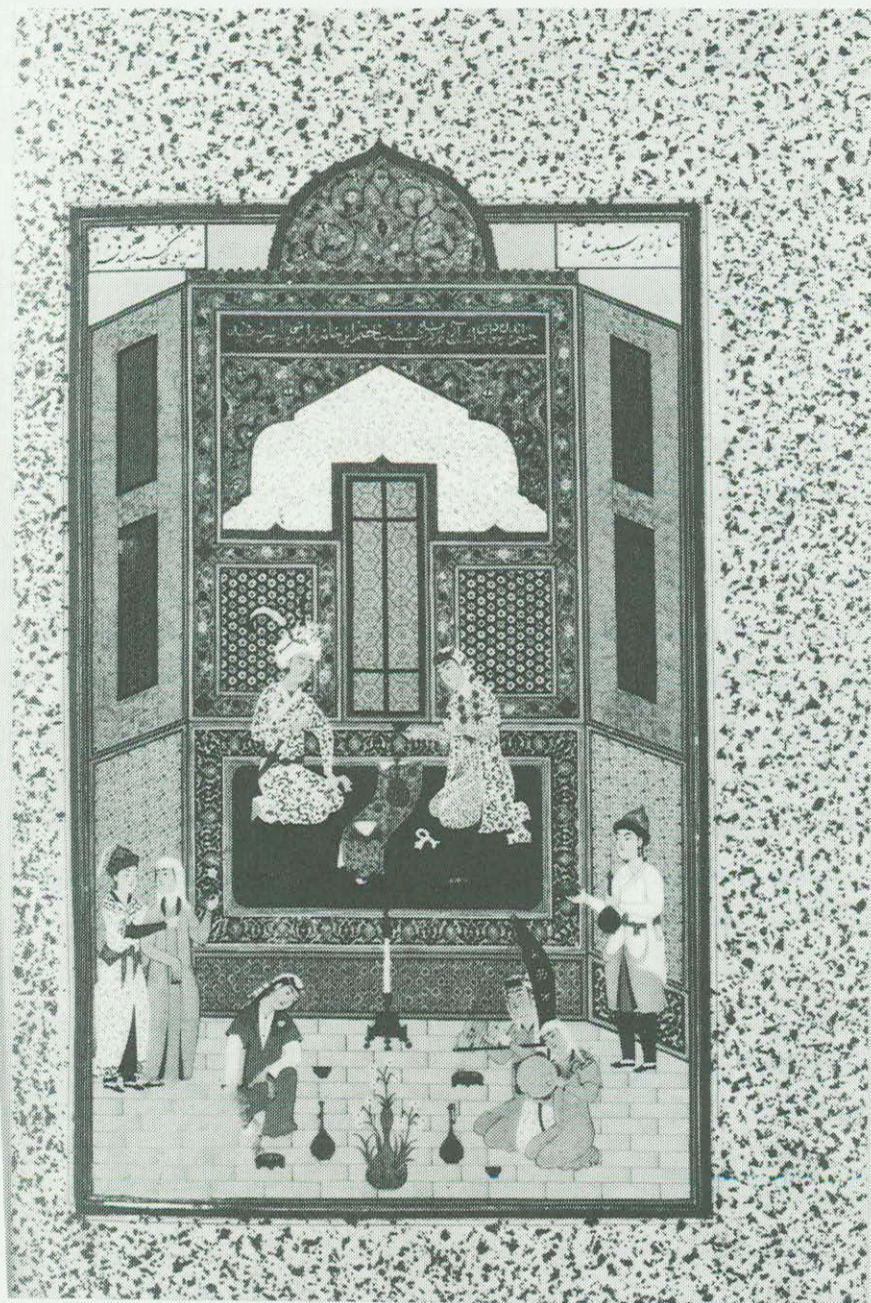
در فتاوی شیخ عبدالعزیز بن عبدالله بن باز رئیس کل ادارات بحوث علمی و افتاء و دعوت و ارشاد مملکت عربستان سعودی، و شیخ عبدالرزاق عقیفی، نایب رئیس، و شیخ عبدالله بن قعود و شیخ عبدالله بن غدیان اعضای این مؤسسه، تصویر انسان جز در موارد اضطراری (نظیر صدور گذرنامه) بی قید و شرط منع گردیده است. تصویر پیامبر اسلام و صحابه و یا تهیه فیلم سینمایی از آنان حرام شمرده شده است و موضوعهایی از این گونه. (متن کامل این فتاوی و ترجمه آنها به زبان فارسی در ص ۳۱-۴۱ چاپ شده است).

برای خوانندگان ایران نامه، پس از مطالعه متن کامل استفتاء مورد بحث و فتاوی صادر شده از سوی علمای مذکور در فوق، تردیدی باقی نمی ماند که استعمال عنوان «هنر اسلامی» لاقلاً برای آن دسته از آثار هنری که ما در استفتاء خود عنوان کرده ایم، از نظر دین اسلام «دروغ» یا «حرام» است، و بعلاوه بسیاری از این آثار، از نظر علما، بسبب «ترویج کارهای حرام» و یا «ترویج فحشاء» و یا «فساد انگیز بودن» شان نباید با عنوان «هنر اسلامی» در معرض تماشا قرار داده شود، و یا در کتابها و مقاله‌ها، آنها را «هنر اسلامی» بخوانند.

ما سه سال پیش، هم در مقاله «چرا اسلامی!»، و هم در «پاسخ به مدافعان هنر



«عاشق و معشوق»، کار رضا عباسی، اصفهان، ۱۰۳۹ هجری، موزه مترو پولیتن، نیویورک



بهرام گور در گنبد سپید، خمسه نظامی، نسخه مورخ ۹۳۱ هـ/ ۲۵-۱۵۲۴م، موزه مترو پولیتن، نیویورک.
بنقل از آئینه جهان غیب، چاپ تهران ۲۵۳۵ شاهنشاهی

اسلامی» (ایران نامه، سال ۴، شماره ۲، ص ۳۳۷ - ۳۴۵) با علم به این که رای علمای مسلمان - نه اسلام شناسان اروپایی و امریکایی - در موضوع مورد بحث چیست، این پرسش را مطرح ساختیم که «آیا می توان چیزی را «اسلامی» خواند، در حالی که در دین اسلام صریحاً تحریم یا منع گردیده است؟» و بعنوان مثال به «مینیاتور «مجلس بزم خسرو پرویز» (که در آن پادشاه ساسانی به باده نوشی، و نوازندگان و خوانندگان به نواختن رود و خواندن سرود مشغولند)» مذکور در مقاله «چرا اسلامی!» و دهها مینیاتور گرانبهای دیگر نمایشگاه ژنو اشاره کردیم. همان موقع نظر ما این بود که به این گونه آثار هنری برچسب «اسلامی» زدن نادرست است، و اینک فتاوی علمای معاصر، آنچه را که تا کنون در این باب عنوان کرده ایم، کاملاً تأیید می کند.

با تمام این تفصیل، باز اگر مدافعان عنوان «هنر اسلامی» از راه دیگر درآیند و عنوان کنند که در قرن بیستم مسیحی نظریه علمای دینی محافظه کار را اعتباری نیست، اسلام را با شرایط جدید هر عصری باید منطبق ساخت! چنان که گروههای مترقی یا تندرو اسلامی با تکیه بر اسلام - و بی توجه به این گونه فتاوی - راه خود را می روند، راه «اسلام راستین» را. پاسخ ما آن است که اگر شما از گروههای باصلاح بنیادگرا و انقلابی و تندرو مسلمان در کشورهای مختلف در باره موضوع مورد بحث نظرخواهی کنید، بیقین آنان نیز از راهی دیگر و با استدلالی دیگر، باز بکار بردن «هنر اسلامی» را برای آثاری که در موزه ها در زیر عنوان «هنر اسلامی» قرار داده اید رد می کنند. شما تصور می کنید گروه تندرو «اخوان المسلمین» مصر، «جماعت مسلمین» پاکستان، «فدائیان اسلام» ایران، «حزب اله» ایران و لبنان و نیز «حکومت جمهوری اسلامی ایران» با رای شما اسلام شناسان موافقت دارند. پاسخ این پرسش صد در صد منفی است. فی المثل رهبر انقلاب ایران معتقد است «...همان گونه که اسلام با هیچ علمی مخالف نیست، با هنر نیز مخالفتی ندارد، منتها باید تفکیک کرد هنری را که متعهد و در خدمت انقلاب است از هنری که مضر است و غیر جدی... هنر صحیح، هنری که در خدمت مملکت و مردم است باید ترویج شود.»^{۱۳} میر حسین موسوی نخست وزیر همین حکومت نیز در باره «هنر اسلامی» این طور اظهار نظر می کند: «این هنر از میزبانی که دارد، این است که شدیداً حاکمیت نظام اسلامی را در خود دارد. در این هنرها جا به جا طنین و آوای ارزشهای اسلامی را چه به صورت شکلی (فرمیک) و چه بصورت محتوایی می یابیم...»^{۱۴} و دیگری که ظاهراً از کارشناسان هنری همین حکومت است می نویسد: «هنر اسلامی، باید گفت که همانند همه اسناد اسلامی است و تعریف آن، شناسایی

دقایق آن، رسالت آن و نحوه کارگیری از آن، همه را آن گونه که از سایر اسناد اسلامی استفاده می‌کنیم باید تصور کرد»، «هنر اسلامی باید که امام را با امامتش مطرح کند، امامتی در امام (نه منهای امام) و کار اصلی هنر اسلامی از دیدگاه تشیع همین است که (امامت) را در وجود آدمی کامل، مولی، مقتدا، و بالاخره امام ارائه کند»، «هنر اسلامی باید اگر مسجد را نشان می‌دهد و از نوشته‌های کتیبه‌ها، نورانیت محراب، حال سجود، کشش عابد، به آستانه حق را هم ارائه کند که هنر در همین جا، کار اساسی خود را اعمال می‌نماید... تنها ارائه لباس و طرز زندگی مردمی که اسلام را می‌پذیرند و نحوه خانه‌سازی و آداب معاشرت قومی‌شان «هنر اسلامی» نیست و نمی‌تواند «هنر» نیز باشد...»، «بنا بر این آثار هنری اسلامی (آنچه بعنوان «هنر اسلامی» در کتابها آمده است) به هیچ وجه نمایش اسلامی ندارند...»، «آثاری از این قبیل: مسجد قرطبه که به فرمان عبدالرحمن اول بنا شده، منبری که برای یادآوری از حاکم بلند بالا ساخته می‌شد. خطوط و نقاشیهایی که تنها برای ایجاد شگفتی، بکار گرفته می‌شدند... این قبیل آثار، با همه ظرافتها و لطافتهاشان، کجا نقش اسلامی داشته‌اند؟ و کی می‌توانستند، لطافت اسلام را بازگو باشند»، و سرانجام: «این است انتظار که «هنر اسلامی» در خدمت «اسلام» باشد و هنرمند قطعاً انسانی مؤمن و شیفته «مکتب»، «در عین تخصص داشتن» و تمام عمر در راه ابلاغ اسلام، اعتلای اسلام، ساخت مسلمان و سامان دادن به جامعه اسلامی و بس». ۱۵.

با نقل این مطالب، دیگر جای اندک تردیدی باقی نمی‌ماند که «اسلام»، در هر شکل و صورت، اکثر این آثاری را که در نمایشگاهها و موزه‌های اروپا و امریکا در زیر عنوان «هنر اسلامی» قرار داده شده است، نه تنها اسلامی نمی‌شناسد، بلکه آنها را مغایر با تعالیم اسلامی نیز می‌داند، و در این اظهار نظر تفاوتی نیست بین پیشوایان مذهبی محافظه کار و پیروان فقه سنتی از یک سوی، و بنیادگرایان یا تندروهای انقلابی از سوی دیگر، و غیره.

به موضوع دیگری که نادرستی و ناروا بودن استعمال لفظ «اسلام» را در «هنر اسلامی» ثابت می‌کند نیز توجه بفرمایید:

در بین سبکهای مختلف نثر عربی و نثر فارسی در دوران اسلامی، سبک و اسلوبی به نام «نثر فنی» یا «نثر مصنوع» یا «نثر مسجع» معروف است که کتابهای بسیاری به این شیوه در هر دو زبان نوشته شده است. در این سبک نگارش نویسنده می‌کوشد بر

خلاف اسلوب نثرهای ساده و مرسل، به اطناب بگراید و مطلب خود را با نثری زیبا به خواننده عرضه بدارد و برای تزیین نوشته خود، از جمله آن را به قرائن متساوی یا نامتساوی تقسیم کند. وی به موزون بودن نثر توجه خاص مبذول می‌دارد، به تقلید از شعر، «قافیه» را هم با نام «سجع» در پایان قرائن بکار می‌برد و به کارهای دیگری نیز می‌پردازد که یکی از آنها اقتباس آیات قرآنی و احادیث است. نه بمنظور نقل، یعنی بصورتی که در کتابهای تاریخی یا مذهبی بفرآوانی استعمال می‌گردد. بلکه برای آن که نویسنده احاطه خود را به آیات و احادیث و شیوه هنرمندان استعمال آنها بنمایاند. بعنوان مثال به این عبارت خواجه عبدالله انصاری در خطبه رساله کفر السالکین توجه بفرمایید:

«دانای ضمائر هر قوم، لا تأخذه سِنَّةٌ ولا نَوْمٌ. بخشنده فرح و سرور، وهو علیم بذات الصدور. ذات و صفات او بی عیب، و عنده قفائح الغیب.»^{۱۶}

منتقدان و ادیبان مسلمان، در قرون پیشین، شرط اساسی اقتباس آیات قرآن و احادیث را در نثر فنی عربی یا فارسی در این موضوع دانسته‌اند که نویسنده در درجه اول مجاز نیست برای آراستن نثر خود تمام آیه یا حدیث و یا بخشی از آنها را در نوشته خود در معنایی خلاف معنای اصلی یا نظیر آن بکاربرد:

«بطور کلی در نظر متقدمان، اقتباس از قرآن و حدیث در صورتی که در معنی اصلی خود یا معنی نظیر آنچه در اصل، آیه در جهت آن نازل شده است بکار رود و از حیث کثرت استعمال به تکلف نینجامد و نیز آیاتی که برای رعایت ایجاز و اختصار در مخاطبه خاص به عام، یا عام به خاص، دقت و ظرافتی در آن بکار رفته است که فهم آن جز بر فصحای اهل زبان میسر نیست اقتباس نشود، از دلایل زیبایی و رسایی و رونق و جزالت و انسجام کلام و بلاغت و رسایی معانی شمرده می‌شد.»^{۱۷}

خوانندگان علاقه‌مند برای تفصیل بیشتر می‌توانند به کتب معتبر ادب عرب مانند صبح الاعشی^{۱۸} و المثل السائر^{۱۹} و غیره مراجعه نمایند. در ضمن ذکر این مطلب لازم می‌نماید که نویسندگان مسلمان که آثار خود را به نثر مصنوع نوشته‌اند همه این دستور کلی را مراعات کرده‌اند. حال ممکن است کسی بپرسد شرق شناسان و هنر شناسان فرنگی چگونه به خود اجازه داده‌اند که حتی معنی لفظ «اسلام» - نام دین مسلمانان - را این چنین مسخ کنند و بر این اساس، کارهای ممنوع و حرام در دین اسلام را «اسلامی» معرفی نمایند و عنوان «هنر اسلامی» را برای معرفی چنان آثاری بر روی جلد کتابهای خود به خطی جلی بنویسند و در موزه‌های کوچک و بزرگ خود نیز آثار هنری را که پیش



مجلس نغم در دربار هارون الرشید، کار قوثر آقاسی

از این بشرح از آنها یاد کردیم «اسلامی» بنامند. آیا این نیز دلیلی بر آن نیست که اگر در بکاربردن «هنر اسلامی» مقصودی خاص نهفته نباشد، هنرشناسان فرنگی بی توجه به این گونه نکات ظریف، و بی مراجعه به صاحب نظران مستقل و بی غرض، به کاری دست زده اند که سرانجام خود باید به جبران آن پردازند، چه بقول شاعر: سرچشمه، شاید گرفتن به بیل... .

و اینک اگر موزه داران و هنر شناسان می پرسند بجای «هنر اسلامی» چه نامی برگزینیم؟ پاسخ ما به این پرسش، اگر «رندانه» نباشد، آن است که برای تقسیم بندی آثار هنری مسلمانان همان شیوه ای را بکار ببرید که برای آثار هنری مسیحیان در موزه های خودتان متداول است. شما موزه داران در درجه اول می توانید آثار هنری بیست و چند کشور عرب زبان کوچک و بزرگ را جدا کنید و آنها را در زیر نام Arabian Art (هنر عربی) قرار بدهید. این عنوان شامل تمام کشورهای مسلمان خاورمیانه (بجز ایران و ترکیه) و همه کشورهای مسلمان عرب زبان افریقایی می شود که خود واحد بسیار بزرگی است، و یا آثار هنری هریک از این کشورهای عرب زبان را به نام همان کشور بخوانید مانند: هنر مصر، هنر کویت، هنر عربستان سعودی، هنر قطر، هنر اردن و... عنوان Persian Art (هنر ایرانی) را بکار ببرید برای تمام آثار هنری ایران و آثاری که در محدوده فرهنگی ایران در قرون پیشین بوجود آمده است، و اگر می خواهید نام ممالک جدیدی را هم که در شصت هفتاد سال اخیر در محدوده فرهنگی قدیم ایران قدم به عرصه وجود گذاشته اند ذکر کنید، آن هم بلامانع است، پس بطور کلی می توان آثار هنری هر منطقه را، بر اساس تقسیمات جغرافیایی جدید، به همان سرزمین نسبت داد.

خلاصه آن که باصطلاح معروف ما فارسی زبانان «ریش و قیچی در دست شماست»، در دست شما هنر شناسان و مسؤولان موزه ها در اروپا و امریکا. لطف بفرمایید و همچنان که عنوانهای نادرست Arabian Art یا Mohammedan Art (برای آثار هنری همه مسلمانان) را به دست فراموشی سپردید، اینک نیز عنوان جدید و نادرست Islamic Art را از فرهنگ اصطلاحات شرق شناسی خود بزداید و به علم و منطق تسلیم شوید. و بویژه این موضوع را از یاد نبرید که برخی از نویسندگان و شاعران مسلمان در قرون پیشین نه فقط کتابهای متنور و منظوم الفیه و شلفیه^{۲۰} از خود به یادگار گذاشته اند، بلکه برخی از هنرمندان مسلمان نیز این کتابها را مصور ساخته و شکلهای گوناگون هم بستری زنان و مردان را بر اساس متن کتاب الفیه و شلفیه، عریان و واضح و بی هر گونه حجابی تصویر کرده اند، و چنین است وضع کتابهایی نظیر لذت

النساء تألیف ضیاء نخشی «که کتابی است در کیفیت تمتع مردان از زنان و خالی از جهات عفت...»^{۲۱} و نیز نسخ خطی کتابهای فارسی مشابه این دو اثر، بخصوص در شبه قاره هند که همراه با چنین تصاویری است. بدیهی است چنین آثاری را - بمانند بسیاری از آثار هنری موجود در بخش «هنر اسلامی» موزه‌ها - «هنر اسلامی» نامیدن به همان اندازه نادرست و موهن است که کتاب منظوم الفیه و شلفیه از رقی شاعر و کتاب لذت النساء ضیاء نخشی را در زیر عنوان «ادبیات اسلامی» قرار دادن،^{۲۲} و یا رقص زنان تمام عریان مسیحی یا یهودی را در رفاصخانه‌های اروپا و امریکا «رقص مسیحی» و «رقص یهودی» خواندن.

یادداشتها:

۱ - نگاه کنید به *Encyclopaedia of Islam*, New Edition, Leyden - London, 1978

ذیل: Islam (From Islam to Islam...) (5) و

G. Fehervari, "Art and Architecture," *The Cambridge History of Islam*, (eds) P.M. Holt, Ann K. S. Lambton and Bernard Lewis, vol. II pp. 702-704.

(به نقل از: Sir Thomas Arnold, "painting in Islam", Oxford, 1928)

۲ - *The Encyclopaedia Britannica*, 14th ed. 1929 ذیل: Arabian Art

۳ - همان مأخذ، ذیل: Mohammedan Architecture, Mohammedan Art

۴ - همان مأخذ، ذیل: Mohammad

۵ - سید حسین نصر، «هو، راستی چرا اسلامی؟»، ایران نامه، سال ۴، شماره ۲، ص ۳۳۱-۳۳۲. در این مقاله از جمله آمده است:

«... مینیاتورهای این کتاب [یعنی شاهنامه فردوسی] و یا خمسة نظامی و سایر شاهکارهای ادب فارسی نیز برخوردار از همین خصوصیت است. چه موضوع این مینیاتورها معراج پیامبر اسلام (ص) باشد و چه جلوس جمشید بر تخت سلطنت، چه طيور منطق الطير عطار باشد و چه جنگ رستم و اسفندیار، این آثار در عین حال که هنر ایرانی است هنر اسلامی نیز هست و بدون جهانیسی اسلام چنین هنری بوجود نمی‌آید.» یا «[اسلام] به ایرانیان اجازه داده است در عین خلقت آثار بدیع ایرانی که در زمره شاهکارهای هنری جهان است، هنری بوجود آورند که عمیقاً اسلامی است و به همین جهت توانسته است احتیاجات روحی و ذوقی مردمی عمیقاً مسلمان را برآورده سازد...»

۶ - *Encyclopaedia of Islam*، ذیل: Islam

۷ - G. Fehervari, "Art and Architecture," *The Cambridge History of Islam*, vol. II, pp. 702 - 704.

۸ - از جمله Oleg Graber, *The Formation of Islamic Art* که از «معماری اسلامی یهودی» و «معماری اسلامی مسیحی» نام برده است. رک. مهدی بوربور، «هنر و معماری اسلامی، ضرورت‌های تغییر یک عنوان»، ایران نامه، سال ۶، شماره ۱، ص ۱۱۲-۱۱۵.

۶۰۱

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای حیدر امینی دام عزه و توفیق

نامشهورخ ۱۹ مهر ۶۰۱ تا بهضمیمه فوقی نامشهورخ ۹/۲/۶۰۱ که نوشته بودید در جواب مانده بر این دفتر و اصل و انظر لحاظ مبارک حضرت امیر المظفر آقای طباطبائی در ملاحظه گذرانده شد و از آنجا که نامشهورخ قبل تا به علت نرسیدن به این دفتر در جواب مانده متأسفیم و برای جواب دادن به سؤالات شما بیان بلیه مقدمه لازم است :

انظر لحاظ فوق و بر سه سو و تحقیق تقسیم دوره های هنرین بدو تا قبل از ظهور اسلام و بعد از آن اشکال شرح ندارد . از آنجا که هنرها کم و بیش با آنکه طرز تفکر و پیشرفت و مقدار آگاهی و احساسات و عواطف و نیروی اجتماعی هنرمندان است این تقسیم میتواند راهنمای شناخت عقائد و مبانی آثار آنها بر ذوق و اندیشه هنرمندان باشد در دوره های قبل از ظهور اسلام هنرها کم و بیش در بخشهای ۱-۲ و مناطق مسکونی زمین ، بیانگر طرز تفکر مشرب و بت پرستی و اعتقاد برابر با انواع و علاقه بر امور حیوانی و ظاهر شجاعت و شرم و غضب بوده و کمتر بر بیان عقائد صحیح و بیرون از مکتب انبیاء استوار در دوره بعد از ظهور اسلام در مناطقی که فرهنگ اسلام نفوذ کرده و هر چیز تحول یافت و دیگر گزشتند هنرین تحت تأثیر این تحول قرار گرفت حتی هنرهای ممنوع در اسلام مانند مجسمه سازی که از این طرز تفکر عقیده مناسبت شد ، بگونه ای که در ساجده ها همچو مکتب هنرمندان موجود و خدا شناس بر وجود آورده با مجسمه های کاریکاتیک بت پرست تنها و تعالی هر چند دقت دایره یا منظرها و تقابلهای تصویرهای غیر مجسمه نما از این منظرها و تصویرهای غیر مجسمه یک نظر لحاظ تفاوت دارد .

این جزایر هنرهای ممنوع و غیر ممنوع و بیشتر همه در فرهنگ و فنون معاصر ظهور بدست می دارد . از این جهت تقسیم دوره ها هنرین بر دو گروه اسلامی و غیر اسلامی قابل قبول است و لحاظ بر این معیار این هنر خاص از نظر اسلام پذیرفته و هنری است اسلامی .

اصطلاح هنر اسلامی در مورد هنرهای نامی و صحیح است که اسلام
و تفکر و ذوق اسلامی هنر مندانه است و همان سر پیای آن است که باید
و هنر مند را در برابر هنر و هنر اسلام هدایت کرده باشد و هنر و کوی
عقائد و افکار و اخلاق اسلامی و تجلی مدح اسلامی بوده و با هنرها
اسلامی ایجاد شده باشد .

منوع شدن کل برشته های از هنر از یک سو و تنجیب و تشوین
بر برشته های که زمینه کار هنری در آنها وجود دارد از سوی دیگر موجب
ظهور و بحال آثار هنری خاص در بین مسلمانان باشد و اثر بی وق و
دوستان از هنر مسلمان بسوی آن برشته های آزاد و منوع نشده
گرایان یافت و در هنر و ذوق آنها در این برشته ها از غیر مسلمین بیشتر
و گسترده تر تبلور یافت .

انرا از جمله هنرهای برشته معماری، خطاطی، حکاکی، کاشی کاری،
نقاشی و تصویر مخطوطات غیر جاندار و تذهیب و یافتن و شعر و اشعار
اینها از هنرهای است که مساجد و شاهد شرف و قرآنی و کتب ادعیه
و کتب حدیث و تذهیب و نقاشی و رنگ آمیزی جلدها و حواشی و صنایع
قرآنی و کتابهای دینی و در سجاده ها و . . . و دیده میشود
و نریای و نظرافت و قدرت فن آنها اعجاب و تحسین هر بیننده خصوصاً
هنر شناسان را بر میانگیزد و در هر کیف ممتاز ترین آثار هنری و حقا
قرآنی را از هنر و بطور موضوع تأثیر ایمان در بر وجود آوردن آنها مسودت

بناد بر این با توجه بر اینکه ساختن مجسمه جلد از اعم انرا
و جواز در اسلام حرام و تصویر غیر مجسم آنها مکروه است جواب
سؤالات شما طبق نظر نهضت آیت الله العظمی آخوند خانی که در ملاحظه
کردید بالا درج میشود معلوم خواهد شد .

۱ - تصاویر مخطوطات جاندار در عبادت هنرها و اسلامی نیست
۲ - تصاویر غیر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه اطهار اسلام
اسلام اجماع حکم جواب سؤال اول را دارند و عرض کردیم که آنها
بجز چیز معضرتك و لرا از هنر و واقع است جائز نیست .

۳ - تصاویر قصهها و افسانههای و حقیقت یا با حقیقت مربوط به
قبل از اسلام هنر اسلامی نیست لذا امر نمی و عرض کردیم آنها بر این عنوان

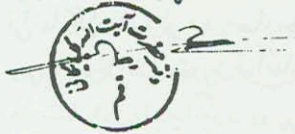
دروغ و حرام است .

۴- تصاویر و مجالیزم و طرب و میگساری و زعفر و موسیقی و این قبیل امور بر هنر اسلامی ارتباط ندارد و نباید بر این عنوان معرفی شود و از لحاظ فساد انگیز بودن و موجب ترویج کماهای حرام شدنش امر آن و عرضیه آنها جایز نیست .

۵- تصاویر و مجالیزم با حالات منافذ و جماعت و عفت اسلامی هنر اسلامی نیست و بر این عنوان معرفی تمام آثار اهداء آن آنها دروغ و حرام است و از این لحاظ که موجب فساد اخلاق و ترویج برفشاء میشود نیز - عرضیه آنها حرام است .

۶- آلات موسیقی مانند تار و پیپه و وسائل تمار و بادیه گنگا و امثال اینها عنوان هنر اسلامی ندارند و نباید بعنوان هنر اسلامی معرفی شوند بلکه باید اینگونه وسائل را بشکرت و تقابلت استفاده آنها در مباحی خارج گرداند .

خداوند توفیق بفرماید از رسالیم عالی السلام عطا فرماید .
تم ۱۵/۶/۱۴۰۷ = ۲۵/۱۱/۲۵ دفتر حضرت آیت الله العظمی کلبانجانی



بسم الله الرحمن الرحيم
مفسر مبارک حضرت آیت الله العظمی آخوند خراسانی حسینعلی منتظری مد ظله العالی

عرض عالی رساند. انبیا در صحن از منزه؟ و فایده‌های آن که در اردو با دارکلی از آثار هنرمندان و اقوام مختلف عالم حاصل
شود، آثار هنری ما که دست مسلمانان همیشه است. در ضمن جدا و اعزاز "هنر اسلام" (Arts of Islam) (مجلس)
به عرض نماند قرار می‌دهند. ظاهراً باین مسئله که در عرصه "روح اسلام" مشهود است. و باین سبب که آثار آنها
هنرمندان سبز زمین و لشکر عمارت مسلمان است. ولی عدالت الهی مقرر کرده که این تقسیم بندی غلط و متضاد است زیرا
در هیچ کس از منزه عاقل و فایده‌های دنیا، آثار هنری بر اساس ادیان مختلف تقسیم بندی نگردیده است. و همین
علت در منزه ها و فایده‌ها، بخشهایی به نام "هنر مسیحی"، "هنر یهودی"، "هنر بودایی" و اشغال آن دو دنیا را بنا
بمیزان وجود بخش "هنر اسلام" را ترجیح کرده. انطوائی در قسمت قابل توجهی از آثار بخش "هنر اسلام" و آثار
- دست مسلمانان و در سبز زمین مسلمانان وجود آمده است - با شامل عالی اسلام منافع و مفاسد تمام دین
و قرار دادن چنان آثار در زیر نام "اسلام" و آن هم در تعلق غیر اسلام، همچنین "اسلام" تعلق نگردد.
بعده ممکن است تا مشاهده چنان غیر مسلمانان، با دیدن چنان اشیا فی در زیر عنوان "هنر اسلام" تصور کنند، این
اسلام بر روح چنان آثار و آثار است، و چه بسا که موهفاد و دشمنان اسلام نیز از این آبرو استفاده
نمایند.

چون در این باب اختلاف نظر وجود است، لازم است اندراج عاقلانه کتب تکلیف بعمل آید. مستعد است
هر یک برای مبارک را در باره اول در ذیل اعلام فرمایید:

- ۱- آیا مجاز است تصاویر صاحبان روح، الهانانست و دیگر حیوانات را در زیر عنوان "هنر اسلام" قرار دهند؟
- ۲- آیا مجاز است تصاویر پیامبر اسلام (ص) و ائمه اطهار (ع) را در بخش "هنر اسلام" عرضه نمایند؟
- ۳- آیا مجاز است تصاویر مربوط به دانشمندان و دانشمندان و فاضلان و دانشمندان اسلام، مانند تصاویر مربوط به
شافعی، هفت بیکر، اسکندرنامه و اشغال آن را، در بخش "هنر اسلام" قرار دهند؟
- ۴- آیا مجاز است تصاویری که در آثار مجلس بنام "مطبوعات مسلمانان و غیر مسلمانان نقاشی شده است،
و در آنجا از برای رجال نه کشیدن شراب، و عده ای از اجل ذواتن سازهای مختلف، و برخی از اجل
تقص هستند، میزبان "هنر اسلام" محسوب گردد؟
- ۵- آیا مجاز است تصاویری که در آنجا زنان غیر مسلمان یا مسلمان با روس و روسی بپوشند، و با بدن
نیز میزبان با نام عزیزان نقاشی شده‌اند، میزبان "هنر اسلام" در معرض نقاشی افراد مختلف قرار داده شود؟
- ۶- آیا مجاز است آلات موسیقی مانند تار، کلانچه، سه تار و اشغال آن، و نیز وسیله قمار مانند درویشی و
گنجه، و کتبه نزد و غیره، و وسیله باورهای مانند صراحی و جامه شراب را، در انظار هنری در نظر آورده شود؟

تعمیر و بازسازی
بازار اوقاف
۱۳۶۵

بسم الله الرحمن الرحيم
حضرت مبارک حضرت آیت الله حجتی قدس سره علیه السلام

بعضی عالی پرستان اخیراً در منزهات و غایتها همی که در اردو با وارطال انداخته اند از آن روزی معل و اقوال مختلف عالم تشکیل گرفته اند. آثار هنری را که به دست مسلمانان تهیه شده است، در قسمتی جدا کرده با عنوان "هنر اسلامی" (عقده سلطه) بعضی نمایش قرنی نموده، ظاهراً با این استدلال که در عهد آنکه "روح اسلام" مشهود است، و با این بسبب که آن آثار هنر منزه از آن است که در سایر زمینها که بتوسط مسلمانان اداره می شده، بوم رانده است. و گویند ای اظهار نظر نگارنده که این تقسیم بندی غلط و مغرضانه است زیرا در هیچ یک از منزهات و غایتها همی دنیا، آثار هنری بر اساس ادیان و مذاهب تقسیم نشده اند. و به همین علت در منزهات و غایتها همی، بخشهایی با نام "هنر مسیحی"، "هنر یهودی"، "هنر بودایی" و اشغال آن وجود ندارد تا ایران وجود بخش "هنر اسلامی" را ترجیح بدهد. از طرف دیگر قسمت غالب تر هنرهای انداخته در بخش "هنر اسلامی" در منزهات و غایتها همی - با آن که در قسمت مسلمانان و بازرگان زمینها مسلمانان (بجز در اسلام) بوم رانده است - در تمام عالیها اسلامی شناخت و ستایش تمام دارد، و در ایران چنان سبب غایت یافتند آنانی در زیر نام "اسلام" و آن هم در تالیف غیر اسلامی، توهمی به "اسلام" تلقی می کردند. بیاد مکن است ما به نام "باید روشن" کتاب جهان فیلسوفان با عنوان جهان اشیا می در زیر نام "هنر اسلامی" به شرح گشته این اسم مرتجع چندان افکار و که مراد از هنرهای هنری آنانی است، و چه بسا که بعضی از ایشان اسم نیز از این امر سرور استفاده نمایند.

که مسلمانان هر چه کرده اند هنر چون در این باب احتیاط نظر فرموده است لازم است از مراجع بالقدر کسب تکلیف بپس آید. مستحق است و البته به نام آن آثار است هر چه برای مبارک را در باره موارد ذیل اعلام فرمایید:

- ۱- آیا مجاز است تصاویر معابد و معجزات روحانی که در انسان و در غیر حیوانات بر او نیز می آید، هنر اسلامی قرار بدهند؟
- ۲- آیا مجاز است تصاویر پیامبر اسلام (ص) و ائمه اطهار (ع) را در بخش "هنر اسلامی" عرضه نمایند؟
- ۳- آیا مجاز است تصاویر مردی که داشته و افاضت آنکس پیش از اسلام مانند تصاویر قدحهای شاهان، چننت هنرهای ایرانی و غیره، اسکندریه و اشغال آن را، و لو نقاشی آن مسلمان بوده است، در بخش مذکور قرار داد؟
- ۴- آیا مجاز است تصاویری که در آنجا مجلس بنام و طرب مسلمانان و غیر مسلمانان نقاشی شده است و در آنجا افرادی و آنکه در شرح منوع نیست، در اصل تصویرین شتاب، و عداسی در حال تراشیدن سبزههای مختلف و برخی در حال دفع هستند معین هنر اسلامی معرفی گردد.
- ۵- آیا مجاز است تصاویری که در آنجا زنان غیر مسلمان و مسلمان، با روی برهنه، و یا چون نده عروسان یا به صورت هنرهای منتهای تمام عروسان نقاشی شده اند، معینان "هنر اسلامی" در معرض نقاشی افراد مختلف قرار داد بشود؟
- ۶- آیا مجاز است آلات موسیقی مانند تار، گیتار، کمانچه، سه تار و اشغال آن، و نیز وسایل کارمانند درجهای آکس، با سیرت و در آنجا علیهم السلام کعبه و تخته نرد و غیره، و وسایل بازی مانند صراحی و جامهای شراب را، و لوازم هنرهای دارالملک ابریشم، بزمین چون و اقیس ندرت دروا "هنر اسلامی" معینان معرفی نمایند؟

ایمان استقام، جلال شریف
مهم
نیم بهمن ۱۳۲۶

اعلام و مسلمان ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸

۲ سوال ۱۲۰۶

ساحة الشيخ عبدالعزیز بن باز رفاة البحوث العلمية و الافتاء و الدعوة و الارشاد . المحترم

اللام علیکم و رحمة الله و بركاته

يُشاهد في الآونات الاخيرة أن بعض الأفراد او الجماعات يعتقدون معارض في أوروبا او امريكا و يعرضون فيها أشياء تحت عنوان " الفنون الاسلامية " (Islamic arts) باعتبار أنها تمثل او تعكس " الروح الاسلامي " او ان مُوجدوها كانوا من المجتمعات الاسلامية .

و هناك من يستنكر هذه التسمية و حتى يرى كإيثاراً هادفاً باطلاً و غيبياً في بعض الأحيان أو كلها . و يستند هؤلاء في مخالفتهم الى امور: منها ان تصنيف الفنون حسب الأدب ان امر غير مسموع و غير مسموح به عند متخصصي الفن . فمثلاً لن نجد متحفاً من المتاحف المعروفة في العالم و لا كتاباً من مؤلفات الفلماء البارزين تعرض او تبحث عن " الفن اليهودي " او " الفن المسيحي " او " الفن اليهودي " - حتى نستطرد ونقول " الفن الاسلامي " . و منها ان كثيراً مما يعرض في هذه المعارض فانها ، بالرغم من كونها من فنّان مسلم أو مجتمع اسلامي تمثل اموراً و صوراً و اشياء تنبأين و التعاليم الاسلامية تنبأياً واضحاً تعرضها في بلاد اوروبا او امريكا تحت اسم الاسلام اهانة لدين الاسلام او محاولة غيبية بصورة غير مباشرة لأثارة فكرة ان الاسلام يروج و يشجّع هذه الافكار و الآثار و من ثم اعطاء فرصة لمعادى الاسلام الرامين الى هديه . و نظراً لان الآراء متخالفة في الموضوع وجدنا من الضروري أن نسأل رأيكم فنستدعي من سُماحتكم اجابة واضحة على الأسئلة التالية . جزاكم الله منا و من المسلمين المغلطين خيراً :

- ۱- هل يجوز عرض تماثيل لذوي الروح من الانسان و غيره تحت عنوان " الفن الاسلامي " ؟
- ۲- هل يجوز عرض صورة رَسَمها انسان على أنها صورة النبي صلى الله عليه وسلم ؟
- ۳- هل يجوز عرض ما يُصور و يعكس ما كان يجري في حفلات الملوك قبل الاسلام (مثل ملوك فرس) من اللهو و الشرب و الفناء تحت عنوان " الفن الاسلامي " بصرف ان رَسَم هذه الصور كان من بلد مسلم ؟
- ۴- هل هناك فرق في المنع و الجواز لو كانت " ابطال " التماثيل المذكورة في البند

السابق من سلاطين المسلمين في القرون السابقة؟

٥- هل يجوز عرض صورة امرأة ترقص و تفتنى فى المجالس و هى غير متحجبه بل و اكثر

اجزاء جسمها مكشوفة تحت العنوان المذكور ؟

٦- هل يجوز عرض صور الآلات الموسيقية و ادوات القمار و كؤوس الخمر تحت هذا العنوان

الاسلامى؟

العيدونا جزاكم الله غيراً

و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته

جلال متينى

بجور

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الأمانة العامة لهيئة كبار العلماء

الرقم ٢١٢٤١٩
التاريخ ١٤٠٧/١٢/٢٠
الرفقات

الموضوع :

من عبدالعزيز بن عبدالله بن باز الى حضرة الاخ المكرم جلال متيلى . سلمه الله
سلام عليكم ورحمة الله وبركاته . . . وبعد :
فاشهر الى استفتائك المعهد بادارة البحوث العلمية والافتاء برقم ٣٠٢٤ وتاريخ
١٤٠٧/٧/١٤ الذى تسأل فيه عن عدد من الاسئلة حول التصاوير وبيع الصورات .
وافهدك انه سبق ان صدر من مجلس هيئة كبار العلماء ومن اللجنة الدائمة
للبحوث العلمية والافتاء فتاوى فى حكم التصوير والتماثيل وتمثيل الانبياء . فترفق لك
نسخا منها وفيها الكفاية ان شاء الله .
وفق الله الجميع لما فيه رضاه والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته . . .

الرئيس العام

لادارات البحوث العلمية والافتاء والدعوة والارشاد



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

المجلس الأعلى للبحوث الإسلامية
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الرقم :
التاريخ :
المرفقات :
الموضوع :

سؤال وجواب من الفتوى رقم ٤٥١٣ وتاريخ ٤/٥/١٤٠٢ هـ

س يقولون انه لو حرم التصوير لما جاز التصوير لاصل جواز السفر الذي يحج به القم في مصر مثلاً لانه لا يسرق
الانسان لكي يحج وكذلك لا يتصور لكي يحج ولا يتصور لصناعة البطاقة الشخصية وغير ذلك من الضرورات
ج الذي يظهر للجنة ان تصوير زوات الارواح لا يجوز للدلالة الثابتة في ذلك عن الرسول صلى الله عليه
وسلم وهذه الدلالة عامة فبين اتخذ ذلك صيغة مكتسب بها وليس لم يتخذها صيغة وسواها كان تصويره
نقشا بيده او عكسا بالاستد بواو غيرها من الالات . نعم اذا دعت الضرورة الى اخذ صورة كالتصوير
من اجل التابعية وجواز السفر وتصوير المجرمين لضبطهم ومعرفتهم ليقضى عليهم اذا احدثوا جرماً
ولجاوا الى الفرار ونحو هذا مما لا يد منه فانه يجوزها واما ادخال صور زوات الارواح في البيوت فان كانت
مستهينة تداسر بالادام ونحو ذلك فغير في وجودها في المنزل محذور شرعي وان كانت موجودة في جواز
او تابعة او نحو ذلك جاز ان غالبا في البيوت وجعلها للحاجة وانما كان المحظوظ بالصور من اجل
التعظيم فهذا لا يجوز ويختلف الحكم من جهة كونه شركا اكبر او معصية بالنظر لا خلافا مايقوم في قلبي
هذا الشخص الذي ادخلها وان ادخلها واحتفظ بها من اجل تذكر صاحبها فهذا لا يجوز لان الاصل
هو منعها ولا يجوز تصويرها وان غالبا الا لغرض شرعي وهذا الممنوع من الاغراض الشرعية واما ما يوجد
في المجالات من الصور الغلاطية فهذا لا يجوز شرافها ولا ادخالها في البيت لانه من الفساد التي
ترتب على الصلحة المقصود من صلحة الذكرى - ان كانت هناك صلحة - والا فالامر اعظم تحريمها
وقد قال صلى الله عليه وسلم : ان الحلال بين وان الحرام بين وبينهما امور شبهتات لا يعلمن كثير
من الناس فمن اتقى الشبهات فقد استبرأ لدينه وعرضه ومن وقع في الشبهات وقع في الحرام كالراعى
يرعى حول الحمى يوشك ان يرتع فيه الا وان لكل ملك حصى الا وان حصى الله حارمه وقال صلى الله
عليه وسلم دع ما يبرئك الى ما يبرئك وقال صلى الله عليه وسلم لرجل جاءه يسأله عن البر (البر
ما اطمانت اليه النفس واطمان اليه القلب والا ثم ما حاك في النفس وتردد في الصدر وان افتاتك الناس وافتوك)
وليس التصوير الشسسي كارتسام صورة من وقف امام المراة فيها فانها خيال يزول بانصراف الشخص عن المراة
والصور الشسسية ثابتة بعد انصراف الشخص عن التصوير يفتتن بها في العقيدة ويجعلها في الاخلاق
وينتفع بها فيما تقتضي به الضرورة احيانا من وضعها في جواز السفر اذ فتر التابعية او بطاقة الاقامة
او رخصة قيادة السيارات مثلا .

وليس التصوير الشسسي مجرد انطباع بل عمل بالة ينشأ عنه الانطباع فهو مشاهة لخلق الله بهذه الصناعة
الالية ثم النهي عن التصوير عام لانها من مشاهة خلق الله والخطرة على العقيدة والاخلاق دون نظير
الى الالة والطريقة التي يكون بها التصوير.

اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والافتاء

عضو
عبد الله بن قعود

عضو
عبد الله بن عبد بن

نائب رئيس اللجنة
عبد الرزاق عفيفي

الرئيس
عبد العزيز بن عبد الله بن باز

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
 بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
 بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الرقم : _____

التاریخ : _____

المرفقات : _____

الموضوع : _____

فتویٰ رقم ۲۷۲ و تاریخ ۱۱/۷/۱۹۰۷

الحمد لله والصلاة والسلام على رسوله واله وصحبه عهد :

فقد وردت اليها اسئلة من حكم تشييل الانبياء عليهم الصلاة والسلام والصحابة والتابعين رضی اللہ عنہم . ومن حكم تشييل الانبياء واتباعهم من جانب الكفار من جانب اخر . وقد اجابت اللجنة عن ذلك بما يلي :

اولا ان المشاهد في التشهيلات التي تقام والمعهود فيها طابع اللهو وزعزعة القول والتصنيع في الحركات ونحو ذلك ما يلفت النظر ويستحيل نفوس الحاضرين ويستولى على مشاعرهم ولو ادى ذلك الى لسي في كلام من يشهله او تحريف له او زيادة فيه وهذا ما لا يليق في نفسه فضلا عن انه يتقبح تشييل من شخص او جماعة للانبياء وصحابتهم واتباعهم فيما يصدرونهم من اقوال في الدعوة والبلاغ وما يقومون به من عبادة وجهاد اداء الواجب ونصرة للاسلام .

ثانيا ان الذين يشتملون بالتشييل يخلب عليهم عدم تحري الصدق والتخلي بالاخلاق الاسلاميه الفاضلة وفيهم جرأة على المجازفة وعدم مبالاة بالاذلاق التي لا يليق مادام في ذلك تحقيق لغرضه من استهوا الناس وكسب للمادة ويظهر نجاح في نظر السواد الاعظم من المتفرجين فاذا قاموا بتشيل الصحابة ونحوهم افضى ذلك الى السخرية والاستهزاء بهم والنيل من كرامتهم والحط من قدرهم وقضى على ماله من هيبه ووقار في نفوس المسلمين .

ثالثا اذا قدر ان التشهيلة لجانبين ه جانب الكافرين كفرعون وابس جهل ومن على شاكلتهما ه وجانب المؤمنين كوسى وسعد عليهم الصلاة والسلام واتباعهما فان من يشيل الكافرين سيقوم مقامهم ويتكلم بالسنتهم فينطق بكلمات الكفر ويوجه السباب والشتم للانبياء ويرسيهم بالكذب والمحرر والجنون . الخ ويسفه احلام الانبياء واتباعهم ويهتهم بكل ما تسوله له نفسه من الشر والمهتان ما جرى من فرعون وابس جهل واضرابهما مع الانبياء واتباعهم لا على وجه الحكاية ضميم بل على وجه النطق بما نطقوا به من الكفر والخلال هذا اذا لم يزيدوا من عند انفسهم ما يكسب الوثوق بشافة وزيد نكرا وعتابا ولا كانت جريمة التشييل اشد هولاءها اعظم وذلك ما يؤدى الى ما لا تحمد عقباه من الكفر وفساد المجتمع وتقيمه الانبياء والصالحين .

رابعا دعوى ان هذا العرض التشهيلي لما هوى بين المسلمين والكافرين طريق من طرق البلاغ الناجح والدعوة الموحدة والاعتبار بالتاريخ . دعوى بردها الواقع وطى تدهير صحتها فشرها بطغى على غيرها . وسفندتها تربي على صحتها وما كان كذلك يجب شمه والقضا على التفكر فيه .

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الجمهورية الإسلامية الإيرانية
مجلس علماء الدين

الرقم : _____
التاريخ : _____
المرفقات : _____
الموضوع : _____

- ۲ -

خامساً : وسائل البلاغ والدعوة الى الاسلام ونشره بين الناس كثيرة وقد رسمها الانبياء* لاسيما وانتشارها بامعة نصرة للاسلام وعزة للمسلمين وقد اثبت ذلك واقع التاريخ فنحنك ذلك الصراط المستقيم صراط الذين انعم الله عليهم من النبيين والصدوقين والشهداء* والمصلحين ولفكتف بذلك مما هو الى اللعيب واشباع الرضاة والهدوء اقرب منه الى الجسد وطو الهمة ولله الامر كله من قبل ومن بعد وهو احكم الحاكمين . وصلّى الله على نبينا محمد واله وصحبه وسلم .

اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والافتاء*

الرئيس

عبد العزيز بن عبد الله بن باز

نائب رئيس اللجنة

عبد الرزاق عفيفي

عبد الرزاق عفيفي

عضو

عبد الله بن عبد يمان

عضو

عبد الله بن محمد

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

_____ : الرقم
 _____ : التاريخ
 _____ : المرفقات

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
 الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ هَدَانَا لِهٰذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا اَنَّهٗ هَدَانَا
 وَمَا كُنَّا لَنَشْكُرَہٗ لَوْلَا اَنَّهٗ هَدَانَا اِنَّهٗ كَانَ عَلِيْمًا ذَكِيْمًا

الموضوع : _____
 مضمون القرار رقم (۱۳)

قرر المجلس ما يلي :

- ۱- ان الله سبحانه اتى على الصحابة وبين منزلتهم العالمة ومكانتهم الرفيعة وفي اخراج حياة اى واحد منهم على شكل مسرحية اولهم سينماى منافاة لهذا الشا' الذى اتى الله عليهم به وتنزيل لهم من المكانسة العالمة التى جعلها الله لهم واكرمهم بها .
 - ۲- ان تشيد اى واحد منهم سيكون موضعا للسخرية والاستهزاء* به ويتولا ه اناس غالبا ليس للمصالح والتقوى مكان في حياتهم العامة والاخلاق الاسلامية مع ما يقصد ه ارباب السارح من جعل ذلك وسيلة الى الكسب المادى وانه مما حصل من التحفظ فسيشتمل على الكذب والغيبة كما يضع تشيد الصحابة رضوان الله عليهم في انفس الناس وضعا مزريا ففتتزعزع الثقة باصحاب الرسول صلى الله عليه وسلم وتخف الهيبة التى في نفوس المسلمين من الشاهد بين وينفتح باب التشكيك على المسلمين في دينهم والجدل والمناقسة في اصحاب محمد صلى الله عليه وسلم ويتضمن ضرورة ان يقف احد المتظنين موقف ابن جهل وامثاله ويجرى على لسانه سب بلال وسب الرسول صلى الله عليه وسلم وما جا* به من الاسلام ولا شك ان هذا شكر كسا يتخذ هدفا لبليلة افكار المسلمين نحو عقيدتهم وكتاب ربهم وسنة نبيهم محمد صلى الله عليه وسلم .
 - ۳- ما يقال من وجود مصلحة وهي اظهار مكارم الاخلاق ومسامحة الاداب مع التحرر للحقيقة وتبسط السيرة وعدم الاغلا بشى* من ذلك بوجه من الوجوه رغبة في العبارة والاتعاظ فهذا مجرد فرس وتقدير فان من عرف حال المتظنين وما يهدنون اليه عرف ان هذا النوع من التشثيل باهاه واقع المتظنين ورواد التشثيل وما هو شانهم في حياتهم واهمالهم .
 - ۴- من القواعد المقررة في الشريعة ان ما كان مفسدة محضة او راجحه فانه محرم وتشثيل الصحابة على نقد يسر وجود مصلحة فيه فمفسدة راجحة فطاعة للمصلحة وسدا للذريعة وحفاظا على كرامة اصحاب محمد صلى الله عليه وسلم ويجب منع ذلك .
- وقد لفت نظر الهيئة ما قاله طلال من ان محمد صلى الله عليه وسلم وعلفاه* الراشد بن هم ارفع من ان يظهروا صورة او صوتا في هذا الفيلم . لفت نظرهم الى ان جرة ارباب السارح على تصوير بلال وامثاله من الصحابة انما كان لضعف مكانتهم ونزول درجاتهم في الافلية من الخلفاء الاربعة فليس لهم من الحصانة والوجاهة ما يمنع من تشليلهم وتعريضهم للسخرية والاستهزاء* في نظرهم فهذا غير صحيح لان لكل صحابى فضلا يخصه وهم مشتركون جميعا في فضل الصحبة وان كانوا متفاوتين في منازلهم عند الله حل وعل . وهذا القدر المشترك بينهم وهو فضل الصحبة يمنع من الاستهانة بهم صلى الله عليه وسلم على نبينا محمد واله وصحبه .

هيئة كبار العلماء*



الجمهورية الإسلامية الإيرانية

الرقم

التاريخ

المرقات

الموضوع

فتوى رقم ١٢٥٨ بتاريخ ١٥/٤/١٣٥٨ هـ

الحمد لله ، والصلاة والسلام على رسوله وآله وبعد فقد ادعت اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والافتاء على السؤال المقدم من أحمد بن ناصر بن فهد بن ساحة الرئيس العام والمحال اليها من الامانة العامة برقم ٢/٥٣٢ بتاريخ ٢٤/٣/١٣٦٦ هـ.

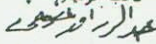
وضمنه أن انسانا عمل صنفا من شئ نافع كالذهب والفضة وما دونهما وكان على صورة آدمى أو حيوان لغصد الزينة مثلا ثم رجع عن ذلك ورغب أن يحوله الى شئ ينتفع به شرعا كنفذ أو حليه أو بناء فهل يجوز ذلك وماذا يفهم من كلمة "يحبذ" من قول النبي صلى الله عليه وسلم لمن نذر أن ينحر ابلا بيوانه : "هل فيها وش من أوثان الجاهلية يحبذ".

وقد أجابته اللجنة بما يلي :-

يجب هدم التماثيل والقضا على رسوماها وهتك الصور وإزالة معالمها سواء اتخذت للعبادة أم للزينة ، إنكارا للمشرك وحماية للتوحيد ، وكلمة "يحبذ" في جملة هل فيها وش من أوثان الجاهلية يعني . وصف كاشف لبيان أن الغالب في عمل الاوثان أو اتخاذها أن يكون ذلك للعبادة وليس القصد به الاحتراز ، ويجوز الانتفاع بانقاض التماثيل والاصنام فيما يناسبها من بناء بيوت وأسوار ومساجد أو عمل نقد أو حلية للنساء ونحو ذلك كما يجوز الانتفاع بالاوراق والالواح والسيارات التي بها صور بعد طمسها وانهاب معالمها لما رواه مسلم عن أبي الهياج قال : قال لي علي : ألا ابعتك على ما بعثني عليه رسول الله صلى الله عليه وسلم ألا تدع صورة الا طمسها ولا تقرأ شرفا الا سوته . فاكثف على الله عليه وسلم في أمره عليا رضي الله عنه بطمس الصور وتسوية القبر المرتفعه بالأرض ، كما اكثف على الله عليه وسلم من عائشة رضي الله عنها بجعل المنارة التي في حجرته في نازق بعد أن قستها قطعا تذهب بمعالم ما كان فيها من الصور وأقرأها على ذلك ولم يأمرها باتلافها ولان الاصل جواز استعمال هذه الخانات ، والحرمة طارئة فاذا زال ما طرأ عليها عادت الى أصل اباحة الاستعمال فيما يناسبها شرعا . وصلى الله على نبينا محمد وآله وصحبه وسلم .

اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والافتاء

الرئيس


نائب الرئيس


عضو

عضو

عبدالله بن سليمان بن شيخ / عبدالمؤمن بن عبد الرحمن بن فدان / عبد الزاق عفيق / عبد العزيز بن عبد الله بن ،

ترجمه نامه رئیس کل ادارات بحوث علمی و افتاء

و دعوت و ارشاد عربستان سعودی، و فتاوی ضمیمه آن به فارسی:

از عبدالعزیز بن عبدالله بن باز به حضرت برادر مکرم جلال متینی سلمه الله
سلام علیکم ورحمة الله وبرکاته و بعد:

با توجه به استفتای شما، ثبت شده در «اداره بحوث علمی و افتاء» بشماره ۳۰۳۴/۱ و بتاریخ ۱۴۰۷/۸/۱ [هجری قمری] که در آن پرسشهایی درباره تصاویر و بیع مصورات نموده‌اید، باطلاع می‌رسانم که در گذشته فتوایی از طرف «مجلس کبار علما» و «کمیته دائمی بحوث علمی و افتاء» در باره تصویر و مجسمه‌ها و تمثیل [شبه بازی] پیامبران (در نمایشها و فیلمها) صادر گشته که به پیوست نسخه‌هایی از آنها را ارسال می‌دارد و اینها مقصود شما را بسنده آیند ان شاء الله.

خداوند همگان را در آنچه که رضای اوست موفق بدارد والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

رئیس کل

ادارات بحوث علمی و افتاء و دعوت و ارشاد

محل مهر

پرسش و پاسخی از فتاوی شماره ۴۵۱۳ و تاریخ ۱۴۰۲/۴/۵ هـ. [قمری]

س: گویند اگر تصویر حرام بود مجاز نمی بود که برای گذرنامه، که مثلاً یک مصری با آن به حج می رود، عکس گرفته شود چه برای انجام فریضه حج که به کار حرام دست نتوان زد و همچنین چگونه می توان تصویر را برای حج مجاز دانست و برای دیگر ضروریات زندگی مانند کارت شناسایی و امثال آن ندانست.

ج: آنچه به نظر کمیته دائمی [بحوث علمی و افتاء] می آید این است که تصویر جانداران (ذیروح) جائز نیست و این بخاطر دلائل مسلمی است که از رسول اکرم در دست است. این دلائل عام‌اند و شامل تمام کسان: چه آنان که عکاسی حرفه و وسیله کسب معاش آنان است و چه غیر آنان، و همچنین خواه آن بصورت نقاشی با دست باشد و یا تصویر با وسایل عکاسی و فیلمبرداری. آری وقتی که ضرورت ایجاب کند، مانند عکس گرفتن بخاطر تابعیت و گذرنامه و تعقیب مجرمین و مانند اینها که چاره‌ای از آنها نیست، آن مانعی ندارد و اما داخل کردن صور «ذوات الارواح» در منازل آن چند حالت دارد: اگر بصورت تحقیر و استخفاف باشد چنان که زیر پا قرار گیرد [چون نقش قالی] و یا امثال آن در آن محذوری نیست و همچنین است در صورتی که آن در گذرنامه و امثال آن باشد. ولی اگر حالت تعظیم و بزرگداشت داشته باشد این باسفاق آراء غیر مجاز است و این که آن چه حکمی دارد «معصیت» یا «شرک اکبر»، آن بسته به نیت شخص است: اگر نگاهداری آن در منزل بخاطر یادآوری و تذکر صاحب آن باشد [مانند آلبوم‌ها]، این ممنوع است چه اصل در این بر منع است و گفتیم که چنین کاری فقط در کارهای ضروری جائز است و این از آن موارد نیست. و آنچه که در مجلات با قیح و بی عفتی تمام چاپ می شود نه خرید آنها مجاز است و نه داخل کردن آنها به خانه‌ها چه به فرض اگر مصلحتی در آنها باشد - مانند یادبود و یادآوری - مفساد آنها از این مصلحت بمراتب فزونتر است و اگر هم نیست که حرمت و منع آن عظیمتر است و [پیامبر] صلی الله علیه و سلم گفت: «آنچه حلال است روشن است و آنچه حرام روشن، و بین این دو «مشبهاتی» هست که بیشتر مردم از آنها آگاهی

روشن ندارند. پس آن که از شبهات پرهیز کرد عرض و دین خود را براثت خرید و آن که در شبهات گام نهاد در حرام افتاد همچو آن شبانی که گله خویش را در مرز قرقگاه بچراند و با این خطر که هر آن ممکن است رمه در منطقه ممنوعه افتد آری هر ملکی را حریمی است و حریم خدا محرمات اوست» و رسول صلی الله علیه و سلم فرمود «آنچه را یک شک برانگیزد بهل و آنچه را یک در آن یقین است برگیر» و هموصلی الله علیه و سلم فرمود کسی را که از او درباره پارسایی پرسید: «پارسایی کاری است که روان و دل را اطمینان آفریند و گناه آنچه که در نفس تردید و در دل دودلی زاید - هر چند که جمله ناست بدان فتوا دهند و رای زنند» عکس گرفتن معمولی مانند ارتسام نقش در آینه نیست چه دومی با کنار رفتن از جلوی آینه محو می شود ولی اولی نه چنین است. نتیجه آن باقی می ماند و باعث فتنه در اعتقاد [دینی] و فساد در اخلاق می شود و هر چند احیاناً هم در مواقع ضرورت مانند صدور گذرنامه و کارت شناسایی و امثال آن سودی از آن حاصل آید.

و این عمل عکس گرفتن صرف انعکاس صورت نیست بلکه کار با ابزاری است که انعکاس صورت از آن حاصل آید، و این، نوعی تشبیه به خداوندگار است [در آفرینندگی]. و نبی از تصویر حکمی عام و فراگیر است بخاطر همین تشبیه به خدا و مخاطر اخلاقی و عقیدتی ناشی از آن بدون توجه به ابزار یا نحوه تصویر.

کمیته دائمی بحوث علمی و افتاء

عضو	عضو	نایب رئیس کمیته	رئیس
عبدالله بن قعود	عبدالله بن غدیان	عبدالرزاق عقیفی	عبدالعزیز بن عبدالله بن باز

فتوای شماره ۴۷۲۲ و تاریخ ۱۴۰۲/۷/۱۱ هـ. [قمری]

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول وآله وصحبه وبعد:

پرسشهایی به ما رسیده است درباره نمایاندن انبیاء علیهم الصلاة والسلام و صحابه و تابعین رضی الله عنهم در فیلمها و نمایشنامه ها [بطور کلی] و انجام این کار بوسیله کفار [بطور اخص]. کمیته [دائمی بحوث علمی و افتاء] چنین پاسخ داده است:

اولاً: نمایشهایی که بمورد اجرا در می آیند همه بالطبع حالاتی دارند از لهو و لعب و گفته ها و حرکات تصنعی و گزافه بمنظور جلب توجه و ارضای تمایلات نفسانی و تأثیر بر مشاعر بینندگان ولو این که این کار با «پنجاندن» گفته های قهرمانان اصلی و تحریف و افزودن بر آن صورت گیرد. این کار در ذات خود ناشایسته است چه رسد به این که در نمایاندن سیرت و سیمای پیامبران و یاران و تابعین آنها باشد و گفتار و کردار آنان در دعوت و تبلیغ رسالت و عبادت و جهاد و ادای واجب و نصرة اسلام.

ثانیاً: آنان که تمثیل [هنرپیشگی] حرفه خود سازند خوی بیعلاقگی به جستجوی حقیقت و آراستگی به اخلاق اسلامی فاصله بر آنها چیره گردد و جرأت بر گزافه گویی و بی مبالاتی به لغزیدن در پستیها مادام که این کار تأمین کننده هدف آنان یعنی جلب مشتری و نفع مادی و کسب محبوبیت در میان توده مردم باشد در آنها ریشه دواند. و هرگاه که اینان رفتار و سیرت صحابه و امثال آنان را در معرض نمایش می گذارند این کار چه بسا که به مسخره کردن و استهزاء این بزرگان بینجامد و کرامت و منزلت آنان را بانحطاط کشد و هیبت و وقار آنان را از قلوب مسلمین بزداید.

ثالثاً: در مواردی که نمایش در بر گیرنده هر دو جانب کفر و دین یعنی از یک طرف فرعون و ابوجهل و امثال آنان باشد و از طرف دیگر موسی و محمد علیهما الصلاة والسلام، روشن است که بازیگران نقش کفار

باید به زبان آنان سخن گویند و کلمات کفر آمیز آنان را بر زبان راند و سب و دشنام بر انبیاء زند و نسبتهای کذب و جادوگری و جنون بر آنان روا دارند..... [و بطور خلاصه] بگویند و بکنند آنچه امثال فرعون و ابوجهل با انبیاء و پیروان آنها کردند و اینها همه بعنوان خود انجام عمل خواهد بود و نه نقل قول و تازه این وقتی است که این بازیگران [برای دراماتیزه کردن بیشتر داستان] از خود چیزی بر آنچه بوده است نیفزایند ورنه ماجرا زشتی و قبح افزوده تری خواهد یافت و بر کفر و فساد اجتماعی ناشی از آن همه توهین بر انبیاء و صالحین حدی تصور نتوان کرد.

رابعاً: این ادعا که به نمایش گذاشتن آنچه که بین مسلمانان و کفار روی داده است، خود بهترین راه تبلیغ دین و مؤثرترین روش دعوت است ادعائی است که تأییدی از واقع و حقیقت ندارد و اگر هم چیزی از حقیقت داشته باشد شر آن از خیر آن فزونتر است و مفسده اش از مصلحتش بالاتر و هر چنین چیزی را باید و واجب است که منع کرد و به کفر آن حکم داد.

خامساً: روشها و وسایل دعوت و تبلیغ اسلام و نشر آن بین مردم فراوان است و انبیاء این راهها را برای امتهای خود باز نموده اند و تاریخ نیز شاهد زنده ثمرات و فوائد این راهها در راه کمک به اسلام و نشر دین است. پس چه بهتر که از این راههای راست پیروی کنیم «راه آنان که خدایشان نعمت ارزانی داشت» از پیامبران و صدیقین و شهدا و صالحین، و چه بهتر به این راهها بجای راههای لپو و لعب و هوی و هوس بسنده کنیم و صلی الله علی نبینا محمد و آله و صحبه و سلم.

کمیته دائمی بحوث علمی و افتاء

عضو	عضو	نایب رئیس کمیته	رئیس
عبدالله بن قعود	عبدالله بن غدیان	عبدالرزاق عقیفی	عبدالعزیز بن عبدالله بن باز

مضمون قرار شماره ۱۳

مجلس کبار علما مقرر داشت:

- ۱ - خداوند سبحانه و تعالی بر صحابه ثنا گفته و مقام والا و منزلت رفیع آنان را بیان داشته است و در آوردن زندگی هر یک از ایشان بصورت نمایشنامه و یا فیلم سینمایی منافی این ثناگویی الهی است و پایین آوردن مقام عالی آنان از مرتبتی که خداوند به آنان کرامت فرموده است.
- ۲ - به نمایش درآوردن [زندگی] هر یک از آنان باعث مسخره و استهزاء به آنها می گردد و افرادی خود را به صورت و نقش آنان در می آورند که از صلاح و تقوی و اخلاق اسلامی بویی نبرده اند، و صاحبان نمایشخانه ها زندگی این بزرگان را وسیله کسب و تجارت می سازند و هر قدر در این کار دقت و امانت بکار رود باز دروغ و بهتان به آنان نسبت داده خواهد شد و از آنان در دل مردم انگاره های ناپسند نقش خواهد بست و اطمینان و ایمان مردم به آنان متزلزل و از هیبت اصحاب رسول در نفوس مسلمین کاسته خواهد شد و این در شک و تردید مسلمانان را در دینشان خواهد گشود و باب مناقشه و جدال در اصحاب محمد ص باز خواهد گشت. در این کار بناچار کسی باید نقش مثلاً ابوجهل را بعهده گیرد و لازمه این آن است که سب بلال و سب محمد صلی الله علیه و سلم و تمام آنچه را که او در باره اسلام انجام داد تکرار کند و تردید نیست که این بس ناپسند است و هدف و نتیجه اش آشتنگی افکار مسلمانان است در مقابل عقایدشان و کتاب خدایشان و سنت پیامبرشان محمد صلی الله علیه و سلم.

۳- در توجیه این کار دلایلی می‌آوزند مانند اظهار مکارم اخلاق و محاسن آداب و جستجوی حقایق و ثبت شرح حال بزرگان و نمایاندن حقیقت آن چنان که هست و بی کم و کاست و پند و عبرت آموزی. ولی همه اینها فرض و خیال است، و آنان که با این هنرمندان و زندگی آنان آشنا نیستند می‌دانند که این سخن چقدر از واقعیت دور است.

۴- یکی از قواعد مقرر در شرع این است که آنچه مطلقاً یا مرجحاً فساد انگیز است حرام است. و با این اساس به نمایش درآوردن زندگی صحابه، به فرض وجود فایده‌ای در آن، ضررش بمراتب بیشتر است و لذلك برای جلوگیری از فساد و پاسداری از مقام اصحاب محمد صلی الله علیه و سلم واجب است منع آن. در ضمن آنچه توجه «هیأت کبار علما» را جلب کرد این گفته طلال [یکی از دست اندرکاران تهیه فیلم محمد که در خارج کشورهای عربی و اسلامی به نمایش گذاشته شد] است که «محمد صلی الله علیه و سلم و خلفای راشدین برتر از آن‌اند که چه از نظر صدا و چه از نظر سیما در این فیلم ظاهر شوند.» جالب توجه مفهوم مخالف این گفته و عمل ارباب سینماست که نمایاندن امثال بلال [حبشی مؤذن پیامبر] در فیلم به معنی پایین بودن درجه و مقام او در مقایسه با خلفای اربعه است و برای او و امثال او پاکی و رفعت مقام آن چنان نیست که نشود آنان را نمایش داد و در معرض مسخره و استهزای دیگران قرار داد. و این مطلقاً نادرست است، چه جمیع صحابه در فضل صحبت پیامبر شریک‌اند و هر چند مقامشان در نزد خدای متفاوت باشد. و همین قدر مشترک مانع آن است که آنان را بتوان مورد اهانت قرار داد. و صلی الله و سلم علی نبینا محمد وآله و صحبه.

هیأت کبار علما

محل مهر

فتوای شماره ۱۲۵۸ و تاریخ ۱۴۹۶/۵/۲ هـ. [قمری]

الحمد لله و الصلاة والسلام علی رسولہ وآله و بعد. آقای احمد بن ناصر بن غنیم پرسشی برای حضرت رئیس کل [اداره بحوث علمی و افتاء و دعوت و ارشاد] ارسال داشته‌اند که بشماره ۴/۵۳۲ و تاریخ ۱۴۹۶/۳/۲۴ هجری در دبیرخانه اداره ثبت و به کمیته دائمی بحوث علمی و افتاء ارسال گردیده است. مضمون این پرسش این است که شخصی از ماده‌ای با ارزش و مفید مانند طلا و نقره یا کم ارزشتر از آنها مجسمه‌ای از انسان یا حیوان بقصد زینت می‌سازد و سپس از این منظور منصرف شده و می‌خواهد آن را به چیزی که شرعاً مفید فایده باشد مانند پول نقد یا زیورآلات یا بنای خانه تبدیل کند. آیا این درست است؟ و معنی کلمه «یعبد» چیست در گفتار پیامبر صلی الله علیه و سلم به کسی که نذر کرده بود شتری را..... [کلمه نامفهوم] سر ببرد که فرمود: «آیا در آن بتی است از بت‌های جاهلیت که پرستش می‌شود؟» پاسخ کمیته چنین است:

واجب است در حمایت از یکتاپرستی و مبارزه با منکرین آن، نابود کردن مجسمه‌ها و از بین بردن نقوش آنها و محو کردن تصاویر آنها و ازاله علامات آنها، خواه برای پرستش باشند یا برای زینت. و کلمه «یعبد» در حدیث مزبور فقط بیان کننده وضع غالب و رایج در بت‌ها است که پرستش است و نه موهم این که اگر برای غیر پرستش باشند حکم مزبور در باره بت مورد پرستش صادق نیست. و جائز است استفاده از مجسمه‌های خرد شده در کارهای مناسب و مختلف مانند ساختن خانه‌ها و سورها و مساجد و تبدیل به نقد و زیورآلات و امثال

آن چنان که این کار جائز است درباره تمام چیزهای عکس‌دار بعد از تخریب آنها مانند تابلوها و اوراق و اتومبیلها. و اساس این حکم احادیثی است و از آن جمله است روایت مسلم از ابوالهجاج که گفت: علی گفت «هان، تو را می‌فرستم به کاری که رسول خدایم بدان مأمور کرد و آن این که تمام تصاویر را محو و همه قبرهای دارای برآمدگی را با سطح زمین یکسان کنی.» می‌بینیم که پیامبر صلی الله علیه و سلم به همین که علی تصاویر را نابود کرد و قبرهای برآمده را هموار ساخت بسنده کرد، و در مورد دیگر وقتی که عایشه رضی الله عنها پرده متقش اطاق خود را برای از بین بردن و مثله کردن نقشبایش قطعه قطعه کرد و از آنها بعنوان روبالشی استفاده کرد، پیامبر صلی الله علیه و سلم به همین قدر بسنده کرد و مانع از استفاده این اشیاء پس از ازاله تصاویر نشد. چه اصل در این اشیاء بر جواز و اباحه است و حرمت یک صفت عارضی است که بمحض ازاله این عرض اشیاء مزبور به اصل خود باز می‌گردند و استعمال آنها شرعاً مجاز می‌گردد. و صلی الله علیه و سلم نبینا محمد و آله و صحبه و سلم.

کمیته دائمی بحوث علمی و افتاء

رئیس	نایب رئیس کمیته	عضو	عضو
عبدالعزیز بن عبدالله بن باز	عبدالرزاق عقیفی	عبدالله بن غدیان	عبدالله بن منیع